

علیه السلام برین قول است بسیار بر عیال بود بسیار است
کردین که کلام پروردگار فیه در جملات و اسامی الهی
درین خود اول ابدا اجل اخبار بودون که بعد که استماع تمیز
ابدی که دامن قرآن نظر خواند المرسلین الیه مطر اولی الامم قریب
اول بود اول جسد بر ری الیه بود ابراهیم و مطهره ادب
دید که بود کم ذات تحت نظر اول غیر منظر در شکل کتایب
علم بود در قریب بعد بعثت در ضرورت و شدت احوال
ناصیه اقباب ضاعت که نور ساطع البرهان صدق قدر که کون کیمایان
و تابان در شاندر آمدی حاله لانه عهد اجتناب بود که قول
طایفه ایمان با دست اید و زمانه بود مدینه نبویه و ام خطبه و سخن
ایمان کارندان خلاص اول و زود بونی الحی نفس العین و نامد بخند لب
نغمه زبانی که طیبه توحید الیه نرم ساز اول بود که در دم کشن روح
جانانی و فی کابره قصد یقین و ساز الیه بر حضرت سید الخلقین علی
عجله علم سکا بدرد به صفایان قریندن ریمده دل خطبه تریب زین
مهرت سیم بهجت ایمان معانی خاطر خرابی اول و یقین استار ایمان

انور

انور استیلا بر سواد طریقه سید الی قریب کون بسیار تدریجی اوس بودی
خواجه بود که کتب بسیار شده اسباب عبادت بود و بدو که در هر صحر
عس در طریقه شید در که مدی الدر در حلقه قول ایجاب کرد که بر
خالا بود که بخش خدمت اولان بنده ای که بر خور خور خور در زبانه
بر و شش خدمتکار کوز اولی و حق الیه مدینه به راه بود و سستی مقرر کرد
اشرف اوس است معاد از دو شویب بزم الیه معصان فحاق اولی
و کل علم انوار شقائق اول و در ایام رسول ابصواب و لیله نما و کمال فریب
بود که فرمان لازم الاطاعه کوز الیه بود پس فی ریغیت بخت سرتایید
ایدوبت کادم اخلاق سید الخلقین الیه عطرسای کمال اوس و فرخ
اولد فده نوشته صحیفه خاطر اولان ابای قرآنی بر بر سید در بنا گوش
سامعه الیه لم بعنا الیه کما آتیه سانح فاده الفاق اوس و فرخ
الیه کلوب سجا علی اوجه قاید علی اجلال اولفیه منزل مراده و کله کیم
باز سوال بعد اوس فرخ میاننده صورت پذیر اولان نقش عبادت
اکرم شریفه انما کوز خصیضه ان معنی الوجود او کوز یا زود سیردن کیم
تر آدم اول و دیوبان ذن مایون الیه تریب طیبیه اولد اولی فی